



”

آیا به تصویر کشیدن این حجم از خشونت رami توان صرفاً به انگیزه های مادی و اقتصادی سینما و سینماگران ربط داد؟

چون اینترنشنال، بی بی سی، من و تو، رادیو فردا و... از وضعیت فعلی جامعه معاصر ایرانی تولید می کنند ندارد. در دنیای درونی تمامی چنین آثاری، حتی یک آدم عادی از بین مردم پیدانمی شود که گرفتار انواع و اقسام مشکلات اقتصادی و خانوادگی نباشد. زندگی هایی که ظاهراً یک تار مو با فروپاشی کامل فاصله دارند، اما در باطن خیلی وقت است که فرسنگ ها از این مرز تار مویی رد شده و به اوج انحطاط و نابودی رسیده اند و خودشان خبر ندارند!

در یک طبقه بالاتر، مثلاً نیرو های بسیجی را می بینیم که با سپاه اختلاف نظر اساسی دارند و یا با پلیس رسماً وارد درگیری مسلحانه شده اند! یا شاهد مسئولان و مدیران میانی ای هستیم که مدام زیرآب یکدیگر را میزنند و با هم رسماً دشمنی دارند! (نگاه کنید به داستان سریال «آقازاده» و یا آثاری چون «دیدن این فیلم جرم است» و...!) در بالاترین سطح نیز مسئولان و مدیران بلندپایه جمهوری اسلامی را داریم که غرق در اشرافیت زدگی شده و مترصد فرصت هایی برای اختلاس و چپاول های میلیاردی هستند... مگر استثنائاً غیر از این باشد! اوج تصویر و توقع مخاطب نیز از مفهوم عدالت، خلاصه می شود در احتمال ظهور رابین هودهای حزب اللهی! معدود شخصیت هایی که شهادت طلبی شان بناست به شکل حرکت های انتحاری بروز کند. نیروهای خود جوش متمایل به خودکشی و... حاج کاظم های سرخورده از هر گونه برقراری ثبات و نظم و بیزار از قوانین و... که اتفاقاً، خود وجود امنیت جزو آخرین اولویت هایشان است!

در اینکه آمریکا شیطان بزرگ است، هیچ تردیدی نیست؛ اما نباید از شیطا طین معمولی دیگر غافل ماند! ما انسان ها با این همه غرور و ادعا و توان ابزار سازی و ضریب هوشی منحصربه فرد در میان تمام جانوران و... با پی بردن به این همه رموز و قوانین طبیعی، فیزیکی، شیمیایی، قواعد ریاضی و... به هر حال، از عدم و نیستی قوی تر و بیشتر و تواناتریم یا کمتر؟ آیا می توانیم از نیستی چیزی خلق کنیم؟ نمی گویم خلق کردن ستاره نوترونی، یا غولهای گازی مشتری و سیارات سنگی زمینی، یا حتی قمرهایی چون کره ماه... آیا می توانیم حتی یک پشگل گوسفند را از نیستی به هستی بیاوریم؟! حالا چطور نیستی و عدم توانسته چنین کائنات عظیم و غیر قابل تصویری را خلق کند، اما ما و تمام مهندسیان و دانشمندان و زیست شناسان مان نمیتوانیم یک مگس خلق کنیم؟ اینها جای خود، حتی اگر یک پشه، یک قطره از خون ما را بخورد، تمام آدم ها نیز جمع شوند، با

چه نوعی از سیاهی لشکرها دارد؟ قاچاقچی ها و کنده لات هایی مثل قهرمان فیلم متری شیش و نیم، یا جوانان معتاد و به سرحد ناامیدی رسیده ای مثل شخصیت های فیلم ابد و یک روز؟! برادر شوهرهای پایین شهری زنان مقتول در فیلم هایی چون شنای پروانه، یا ارادل و اوباش سازمان یافته در سریال هایی چون باغی؟! به راستی چرا پرده های سینما و مانیتور انواع و اقسام شبکه های تلویزیون اینترنیتی معاصر جمهوری اسلامی پر شده از انواع و اقسام قورباغه ها و شنای پروانه ی باغی ها؟! آیا به تصویر کشیدن این حجم از خشونت کور دراماتیزه شده رami توان صرفاً به انگیزه های مادی و اقتصادی سینما و سینماگران ربط داد؟ آن هم جنس و نوع خشونتی که دقیقاً برای سازمان دادن به شورش ها و اغتشاشات اخیر مورد نیاز بود! چاقو کشیدن برای پلیس و تهیه اسلحه از بازار سیاه و دست کم گرفتن نیروهای امنیتی انتظامی و... آیا تمامی این ها بر حسب اتفاق بوده است؟!

معترضی با برندانز فرقی نمی کند، نیروی محرکه تمامی این جریانات را می توان در یک کلمه خلاصه کرد: القای بن بست و ناامیدی! دقیقاً از همین منظر است که آثاری چون آقازاده، دیدن این فیلم جرم است، دادستان و... تفاوت خاص و تمایز چندانی با تصاویری که شبکه هایی

”

به راستی چرا پرده های سینما و مانیتور انواع و اقسام شبکه های تلویزیون اینترنیتی معاصر جمهوری اسلامی پر شده از انواع و اقسام قورباغه ها و شنای پروانه ی باغی ها؟!